

هزینه دادرسی تقلیل داده شود تا همه را قدرت و توانایی بوده باشد که رفع ظلم و تعدی از خود بنمایند و در عین حال تشکیلات و سازمان های قضائی را بای نحوکان در تمام کشور هر قدر بتوانند بسط و توسعه دهند تا مردم مجبور نشوند برای رفع تعدی و ظلم از خود فرسنگ ها طی مسافت نموده با تحمل ضرر ورنج سفر خود را بدستگاه قضا برسانند .

امیدوارم با تأمین این دو موضوع دستگاه عدالت کشور مورد استفاده و بهره مندی عموم هممیهنان قرار گرفته و از نتایج و ثمرات نیکوی آن دولت و ملت برخوردار شوند .

دکتر محمد شاهکار

نظری به قانون بیمه های اجتماعی کارگران

لایحه قانونی مشتمل بر ۹۶ ماده در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۳۱ بموجب قانون اعطای اختیارات ۲۰ مرداد ماه بتصویب آقای نخست وزیر رسید که دوشماره ۲۳۱۹ مورخه ۳۱/۱۱/۳۱ روزنامه رسمی کشور چاپ و منتشر گردید .

بنابراین موثقی که این دستور از نظر خوانندگان گرامی مجله قانون میگذرد قانون مزبور وارد مرحله اجرائی شده است .

خیلی جای خوشوقتی است که بالاخره دولت در مرحله تأمین اجتماعی و بیمه های اجباری قدمی برداشت و امیدواریم که این اقدام طلبه کامهای بزرگ و تصمیمات بسیار مهمی در این مرحله باشد چه واقعا باید اعتراف کرد که تا کنون در این زمینه هیچگونه عمل موثر و جدی نشده بود و قانون بیمه کارگری و صندوق تعاون و بیمه فرهنگیان که سابق وجود داشت بسیار ناقص و غیر قابل استفاده بوده و حتی شامل یکصد نفر از این کشور نمیشد و آن عده بسیار معدودی هم که از این قانون ممکن بود استفاده نمایند در عمل آنقدر دچار اشکالات و موانع میشدند که نبودن آن بهتر از وجودش بود اینک قانونی بتصویب رسیده بنام قانون بیمه های اجتماعی کارگران که ماسرنا از نظر اصول قضائی و اجتماعی آنرا مورد دقت قرار میدهیم و امیدواریم این تذکرات مورد توجه اولیاء امور فرار گرفته در اصلاح قانون مزبور و رفع نقایص آن عاجلا اقدامات لازم را بنمایند .

قبل از ورود در مطلب تذکر این نکته لازم است که اطلاق « بیمه های اجتماعی کارگران » بقانون مزبور غلط و نارواست چه اگر ما بگوئیم بیمه اجتماعی این بیمه باید شامل کلیه طبقات مختلف اجتماع اهم از کارگر و غیره بشود و حال آنکه این بیمه فقط برای کارگران است که شامل سایر مردم (دهقانان - خدمه - صاحبان مشاغل آزاد - هنرمندان - آموزگاران - مستخدمین دولت و غیره) نمی شود و رواقع (قانون بیمه کارگری) است و تلفت اجتماعی که در آن ذکر

شده امیدی است که انشاءاله يك روز در این کشور قوانین تامین و بیمه اجتماعی خواهد گذشت و در حال حاضر يك قانون بیمه کارگریست که نقائص و کم بود های آن بطور مختصر ذیلانگاشته می شود.

(چون اصل قانون در همین شماره چاپ شده است فقط بذکر مواد باتبصره ها قناعت می شود و از خواننده محترم تقاضا دارم که برای روشن شدن مطلب به واد مربوطه مراجعه نمایند.)

در تبصره ۱ ماده يك قانون مزبور نوشته شده که بشرطی قانون شامل کارمندان فنی و دفتری، کارخانه ها و بنگاهها می شود که حقوق و مزایای آنان ماهیانه از شش هزار ریال تجاوز نکند. این تعدید غیر منطقی است و قطعا منظور قانون نگذار این بود که اگر حقوق و مزایای از شش هزار ریال تجاوز کرد کسور و غرامت تاماخذ شش هزار ریال گرفته و پرداخته شود و این همان «نصابی» است که در قوانین سایر ممالک بقدر بیش و کم دیده می شود و چنانچه تبصره ماده يك بصورت قطعی باقی بماند یکمده از کارمندان کارخانه ها فقط بجرم آنکه ۶۰۰۰ و کسری حقوق میگیرند از کلیه مزایای این قانون محروم خواهند ماند.

ماده ۴ قانون شورای سازمان بیمه های کارگران را مرکب از ۱۱ نفر دانسته: چهار وزیر (کار، اقتصاد، بهداشت و کشور) يك نماینده از سازمان برنامه، يك نفر از شرکت ملی نفت، يك نفر از بنگاه راه آهن، دو نفر کارفرما و دو نفر نماینده اتحادیه کارگری. با این کیفیت این شوری يك سازمان دولتی و اداری است که از ۱۱ نفر ۹ نفر آن فقط مجری منویات دولت خواهند بود.

و نظر اتحادیه کارگران و لو آنکه بسیار قوی و متشکل باشند در يك اقلیت قطعی است که هرگز منافع آنانرا تامین نمینماید و حال آنکه عنوانا قانون مزبور برای کارگران وضع شده است و همچنین در ماده ۶ انتصاب مدیر عامل و تمویض آنرا بنظر هیئت مدیره موکول کرده و هیچ شرط دیگری قائل نشده در صورتیکه مدیر عامل قبل از هر چیز باید بیمه چی بوده و کاملا بصیر بقوانین اجتماعی و خواسته های کارگری باشد.

بموجب ماده ۱۰ هیئت مدیره مجاز است که بقرصت از اختیارات را در شهرستانها بکارمندان و زارت کار واگذار نماید. این تصمیم موجب آن میگردد که سازمان بیمه کارگری با سیاست سروکار داشته باشد و حال آنکه سازمان بکلی از هر نوع سیاست باید برکنار باشد و معامله و حقوق کارگران را صرف نظر از رویه سیاسی و رنگ و پوست و نژاد آنها پرداخت نماید و مسلم است که کارمند و زارت کار تابع سیاست مخصوص روز خواهد بود.

در ماده ۲۰ قانون مزبور به چدرجه رعایت اصول فنی بیمه شده چه سازمانرا موظف کرده است ذخایرش را بعنوان سپرده ثابت نگاهدارد. در صورتی که هر موسسه بیمه برای انجام تعهدات مالی که در آتی پیش می آید باید حداکثر بهره برداری را از ذخایرش بشناید و الا بمعکوم بوردشکستی است و بهین علت است که در تبصره ماده ۲۱ پیش بینی شده که اگر سازمان بتواند میزان مخارج لازم را بشناید از تعهدات و پاداش کارگران خواهد گاست.

بموجب ماده ۳۶ قانون مزبور سازمان موظف است که از محل ذخایر قانونی بیمه وام از بانکها برای ساختن بیمارستان و آسایشگاه گرفته و وسایل معامله را فراهم نماید. این ماده در بادی امر بسیار خوب بنظر میرسد. بخصوص که در هیچیک از ممالک مترقی دنیا نیز چنین اجباری برای سازمان بیمه دیده نمیشود ولی عملا اجرای مقررات این ماده فلج کردن دستگاه بیمه کارگری و مواجه شدن با عدم امکان اجرای تعهدات بیمه است زیرا ممکن نیست سازمان بتواند باین دو مطلب

مهم (بیمه گری و بیمارستانی) برسد بیمه چه باید بیمه گر باشد و اگر اداره امور بیمارستان را مستقیماً تحویل سازمان بیمه کنیم مضارح آن آنقدر سنگین و ادا راه اش آنچنان مشکل است که بهیچیک ازدو کار نخواهد رسید - وسائل ممالجه اذرای بیماران متعلقات ایجاب دستگاهاهی عظیم و گران قیمت را مینماید که این سازمان با بودجه ضعیف خود هرگز نخواهد توانست از عهد آن بر آید . بخصوص که بموجب قانون مزبور سازمان موظف است ۵۰ ساله معادل ده درصد از درآمد خود را (که در واقع ۶۰ درصد ذخیره می شود) برای استهلاك وام در نظر بگیرد و چنانچه در پیش گفتیم بیمه گر مطابق اصول فنی مجاز نیست ذخایر خود را بعنوان سپرده ثابت نگاهدارد چه رسد باینکه اصل ذخیره را هم بدون بهره خرج نماید .

اجرای این ماده مسلماً بسبب آن خواهد شد که سازمان هنوز شروع بکار نکرده و رشکست شود و یا آنکه از پاداش های قانونی که بکارگر تعلق میگیرد بکاهد و برای جبران این مضایقه کفایت که تاسیس بیمارستان و اداره آن از سازمان بیمه خارج شده و بمهمه وزارت بهاری با سازمان دیگری گذاشته شود .

ماده ۳۷ قانون مزبور نیز غیر منطقی است زیرا بوجوب این ماده خانواده بلا فصل کارگر وقتی میتواند از مزایای ممالجه بیماری استفاده نمایند که اگر لاقول چهار ماهه حق بیمه را پرداخته باشد بنابراین امروز که قانون برای اجراء ابلاغ میگردد : خانواده کارگر اینکه ۱۰ یا ۲۰ سال سابقه کارگری دارند با زنی تواند از حق ممالجه استفاده نموده و باید چهار ماه صبر کنند .

مطلب عجیب تر مقررات ماده ۴۰ است که کارگری در اثر زد و خورد یا امراض مقاربتی فوت کند ورثه او از مستمری قانونی محروم خواهد ماند آخر معلوم نیست خانواده کارگر در این مورد چه تقصیری را مرتکب شده اند که با از دست دادن رئیس خانواده گرسنه و بی حقوق بمانند .

در ماده ۴۱ قانونگذار مالک ذموکرات دنیاگشاد بازتر شده چه حقوق ایام بیماری کارگر را صد درصد در نظر گرفته این ماده بنظر بفرع کارگر میرسد ولی موجب فلج شدن کارخواهد شد چه اگر قرار شود علاوه بر حق ممالجه و دارو و غیره که بکارگر پرداخته می شود صد درصد حقوق او را هم بدهیم مسلماً مواجه با تمارض اغلب کارگران خواهیم شد و برای جلوگیری از این منظور بیش از ۸۰ درصد نباید پرداخت شود و روح ماده ۴۱ با ماده ۵۹ تناقض دارد چه برای کارگر زن قانون پرداخت ۲۰ و ۳۰ درصد می شود در نظر گرفته و حال آنکه عارضه زایمان هیچگونه امکان تمارض ندارد و اگر قرار شود صد درصد پرداخته شود این مورد بیجائی است نه مرض های کارگر آن دیگر . از طرف دیگر ایام استراحت کارگرن با دارا کم منظور شده و شش هفته کافی نیست و حد اقل باید ۸ هفته باو فرصت داد .

بوجوب ماده ۶۸ سن بازنشستگی برای کارگر مرد ۶۵ و برای زن ۶۰ سال منظور شده است . این سن برای هر دو طبقه باید ۵ سال کسر شود .

قانون مزبور کار فرما را مجاز کرده در صورتی که کارگر بسن بازنشسته شدن برسد و خود قاضا نکند ویرا بازنشسته نماید با ماحذی که لایحه قانونی فعلی برای کسور تقاعد در نظر گرفته تصویب این لایحه تولید هرج و مرج و تشنجائی خواهد نمود . زیرا در نظر بگیریم کارگری را که بسن ۶۰ رسیده و بدیهی است عائله مند است و حقوق روزانه او ۱۰۰ ریال باشد اگر ۱۰ سال هم کسور پرداخته بوجوب این قانون فقط در مقابل این ۲۰۰ ریال با کمتر در روز بازنشسته خواهد شد و باین کیفیت نه تنها منظور قانونگذار عملی نمیشود بلکه نتیجه عکس که نارضایتی و تردد کارگران است تولید خواهد شد .

بالاخره حقوق بیکاری که رسیدگی آن در دست بپهده وزارت کار گذاشته شده بسیار ناچیز است و باید این قسمت نیز برمیم گردد .
 این بود خلاصه انتقاداتی که بنظر نگارنده بقانون مزبور میرسد و امید است هر چه زودتر قانون مزبور اصلاح شده تا دم موثری در یکی از رشته های تامین اجتماعی برداشته بشود .
 مطلب اساسی دیگری که باید مورد توجه اولیای محترم امور قرار گیرد توسعه و تعمیم قوانین تامین اجتماعی و بیمه های عمومی است چه امروز کلیه افراد این کشور که بانروی بازو یا دماغ خود کلامی کنند و يك اکثریت ۵۰ درصد طبقات مختلف این مملکت را تشکیل میدهند فاقد هر گونه تامین و بیمه بوده و در بیم و امید فردا زندگی میکنند و بسیار بجاست که دولت با استفاده و کمک از افکار عمومی و سازمانهای ملی عملا وارد رفع این نقایص شده و بمنظور تامین اجتماعی و بیمه های اجباری عمومی تصمیماتی عاجل اتخاذ نماید .

ابوالفضل لسانی

مجازات اعدام

ارسطو فیلسوف معروف یونانی معتقد است که : **انسان حیوانی فلسفه وضع مجازات است اجتماعی و طبیعتا میل دارد با اجتماع زندگی کند .** علمای علم اجتماع نیز عقیده ارسطو را پسندیده و معتقدند

که انسان مدنی بالطبع است . *شوش کاغذ علم انسانی و مطابقت فرعی*
 با مسلم شدن اجتماعی بودن نوع بشر ناچار افراد انسانی برای ادامه زندگی باید بهالت اجتماع بسر برند . وقتی اجتماع بوجود آمد و جامعه تشکیل شد قهری است که در کلیه شؤون زندگی منافع افراد بشر بایکدیگر اصطکاک پیدا خواهد کرد . همین اصطکاک منافع است که صحنه زندگی اجتماعی را بیدان مبارزه مبدل میسازد .

« اسپنسر » فیلسوف شهیر انگلیسی صحنه زندگی را میدان تنازع بقاع نام نهاد و حتی معتقد است که : **تمام قوانین و مقررات بشری روی اصل تنازع بقاع وضع و مقرر شده است .** با احرار اصل تنازع بقاع هر فردی از افراد اجتماع احتیاج بدفاع و محافظت از جان خود دارد و این احتیاج بجایی میرسد که جز عفراتن طبیعی بشری میگردد بطوریکه انسان بدون اراده بدفاع و محافظت از خود و بستگانش میردازد .

تشکیل اجتماع بدوا از تشکیل خانواده ها شروع شد و علاوه از آنکه هر يك از افراد عهده دار دفاع از خود بودند تمام اعضاء خانواده بطور تعاون مکلف بدفاع از یکدیگر نیز بوده اند ولی قدرت در دست رئیس خانواده بود . چه از جهت حمایت افراد خانواده و انعام کشیدن و چه از نظر حده و هجوم .